

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مَحْرَمِ آمَد

با نگاهی به کتاب انسان ۲۵۰ ساله

نویسنده: رحیم مخدومی شریانی
تصویرگر: سعیده تلخابی



محرم آمد
نویسنده: رحیم مخدومی شریانی
تصویرگر و صفحه آرا: سعیده تلخابی
نوبت چاپ: اول_زمستان ۱۳۹۹
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۵-۵۶-۴
تیراژ: ۲۰۰۰

سرشناسه: مخدومی، رحیم، ۱۳۴۵ - Makhdoomi, Rahim
عنوان و نام پدیدآور: محرم آمد: با نگاهی به کتاب انسان ۲۵۰ ساله/
نویسنده رحیم مخدومی شریانی ؛ تصویرگر سعیده تلخابی.
مشخصات نشر: تهران : موسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب، انتشارات
رسول آفتاب، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۶ ص.: مصور (رنگی).؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۵۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: گروه سنی: ج.
عنوان دیگر: با نگاهی به کتاب انسان ۲۵۰ ساله.
موضوع: داستان‌های فارسی
موضوع: Persian fiction
موضوع: محرم -- داستان
موضوع: Muharram -- Fiction
شناسه افزوده: تلخابی، سعیده، ۱۳۷۰-، تصویرگر
رده بندی دیویی: ۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۶۹۴۵۶



ماه محرم نزدیک بود. مامان پرچم‌ها را گذاشت دم دست
تا با کمک بچه‌ها بزند روی دیوارها و سردر خانه.
بابا داشت برای محرم نوحه آماده می‌کرد. موقع نوشتن،
زیر لب می‌خواند و سینه می‌زد.

محرم او آمده، دل‌ها رو غم گرفت
دوباره شهرمون بوی حرم گرفت
بازم سیاهی و باز پرچم و علم
بازم روی لبم شعرای محتشم^۱
صالح دو دستی می‌زد به شکمش و نوحه‌های بابا را تکرار
می‌کرد.

محرم او آمده، دلا رو غم گلفت
دوباره شهرمون بوی حرم گلفت

۱. محتشم کاشانی یکی از مشهورترین شاعران عاشورایی بود که شعر معروف (باز این چه شورش است که در خلق عالم است) را سرود.





سینه زدن صالح، مهدی و مهلا را به خنده انداخت.
مامان وقتی خنده‌ی آن‌ها را دید، کودکی خودش را به یادشان آورد.
- معلومه سینه‌زدن‌های خودتون یادتون رفته! حُ‌دین حُ‌دین می‌گفتین و محکم می‌زدین
به شکمتون!
با این حرف مامان همه خندیدند

